

## تحلیل انتقادی دیدگاه ریچارد بل در خصوص جمع و تدوین قرآن در عصر پیامبر ﷺ

مجید معارف<sup>۱</sup>، زهرا خیراللهی<sup>۲</sup>، مریم بزرگی<sup>۳</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۲/۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۲/۲۳)

### چکیده

بحث در خصوص چگونگی جمع آوری و تدوین قرآن کریم در عصر پیامبر ﷺ، یکی از مباحث مهم علوم قرآنی است. ریچارد بل انگلیسی، خاورشناسی است که در این خصوص آرای بی‌سابقه‌ای را از منظر مطالعات، عقاید و باورهای خود بیان نموده است. وی در تحقیقات خود کتابت و تدوین قرآن در عهد نبی اکرم ﷺ را کامل ندانسته و علت این امر را دلایلی چون: عدم کتابت قرآن در مکه، نسیان پیامبر ﷺ، عدم جایگذاری تمامی آیات در سوره‌ها و تشکیل هسته اولیه سوره‌ها در عصر رسالت برمی‌شمرد. بل نخستین جمع و تدوین قرآن را مربوط به دوران عثمان می‌داند. این در حالی است که پس از ارزیابی دلایل او، روشن می‌شود که استدلال‌های وی تام نیست و طبق شواهدی قرآن می‌تواند در زمان رسول خدا ﷺ جمع شده باشد. نظرات بل با توجه به روشهای تحقیق خاص خاورشناسان، به دلیل برخورداری از نگاهی جانبدارانه، یا اتکایی یک سویه بر منابع اهل سنت و استفاده گزینشی از نصوص تاریخی، با مطالعات و منابع اسلامی متفاوت بوده و قابل نقد و بررسی جدی است.

کلید واژه‌ها: ریچارد بل، جمع قرآن، کتابت قرآن، شکل گیری سوره، عصر پیامبر ﷺ.

maaref@ut.ac.ir

۱. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛

zkheirolahi@pnu.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)؛

m.bozorgi24@student.pnu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛

## ۱- بیان مسأله

قرآن پژوهان مسلمان و غیر مسلمان اهتمام ویژه‌ای نسبت به موضوع جمع و تدوین قرآن در دوره‌های مختلف مبذول داشته‌اند. ریچارد بل در مطالعاتی که انجام داده است توجه زیادی به این موضوع نشان داده و کوشیده است تا با تکیه بر قرائن تاریخی و تحقیق در منابع اسلامی، به مطالعه در این خصوص، و به ویژه جمع قرآن، در عهد نبی اکرم ﷺ بپردازد. گرچه در این خصوص در آراء وی، نکات قابل توجهی مشاهده می‌گردد، لیکن ادعاهای او مبنی بر عدم نگارش کامل قرآن در عهد نبی اکرم ﷺ، با نظرات و آراء قرآن بسیاری از پژوهان مسلمان و آنچه در منابع اسلامی ذکر گردیده، اختلافات بارز و آشکاری دارد؛ لذا مستلزم تأمل و نقد است.

این مقاله برآن است تا روشن سازد نظرات ریچارد بل در خصوص جمع و تدوین قرآن در زمان نبی اکرم ﷺ چیست؟ اندیشه‌های وی بر چه ادله و مبانی استوار است؟ و چه نقدهایی بر آن وارد است؟

## ۲- مقدمه - ریچارد بل و آثار قرآنی او

ریچارد بل خاورشناس و مترجم معاصر انگلیسی، (۱۸۷۶-۱۹۵۲م) اهل اسکاتلند بود. او در رشته هنر و الهیات در دانشگاه ادینبورگ درس خوانده و در آلمان به تحصیلاتش ادامه داد. در دانشگاه ادینبرا، استادیار کرسی عربی و عبری شده و در سال ۱۹۲۱ در همان دانشگاه ابتدا در سمت مربی و سپس دانشیار عربی به کار تدریس ادامه داد و سرانجام در سال ۱۹۴۷ بازنشسته شد. وی در ابتدا شیفته مطالعه نسخ خطی کتابخانه دانشگاه ادینبرا بود، ولی پس از مدتی به مطالعه قرآن و ترجمه آن به زبان انگلیسی روی آورد. او مسافرت‌هایی به سرزمین‌های عرب زبان داشت. (نک: رضایی هفتادر، ۱۶۳-۱۸۶؛ صادقی، ۱۲۰)

وی سالیان سال در اسلام پژوهی و قرآن پژوهی سابقه داشت. به اذعان قرآن پژوهان

غربی، در عصر جدید، نخستین «تاریخ قرآن» را با مدد از آخرین شیوه‌های نقد و شناخت متون و متن پژوهی تاریخی / فقه اللغة، تدوین نموده است. محققى نستوه و نمونه‌ای از سختکوشی بود که حدود چهارده پانزده زبان جدید و قدیم و شرقی و غربی را می‌دانست و قرآن را همانند «معلقات سبع» یا «شاهنامه فردوسی» متنی صرفاً تاریخی می‌دانست. (بل، ۱۰) مهم ترین آثار «ریچارد بل» عبارتند از:

۱. متشابهی در قرآن، ساختار سوره بیست و سوم.<sup>۱</sup> ۲. مردم اعراف (سوره هفتم آیه ۴۴).<sup>۲</sup> ۳. قرآن (ترجمه).<sup>۳</sup> ۴. حضرت محمد ﷺ و طلاق در قرآن.<sup>۴</sup> ۵. سبک قرآن.<sup>۵</sup>
۶. آگاهی حضرت محمد ﷺ از کتاب عهد عتیق.<sup>۶</sup> ۷. سوره حشر.<sup>۷</sup> ۸. در آمدی بر قرآن.<sup>۸</sup>
۹. تفسیر قرآن.<sup>۹</sup> (نک: رضایی هفتاد، ۱۶۳-۱۸۶)

کتاب: «introduction to the Qur'an»، که از جمله آثار وی در زمینه مسائل تاریخ و علوم قرآن است در نهایت با تحریر، اصلاح، تهذیب و گسترش دستیار عالی مقام و شاگرد ارشد وی، «موننگمیری وات»، به کتابی بی‌عیب و طراز اول با نام: «Bell's introduction to the Qur'an» تبدیل می‌گردد. (بل، ۱۲، پیشگفتار مترجم) مقاله حاضر براساس دیدگاه‌های بل در این کتاب تنظیم گردیده است. این کتاب توسط بهاء الدین خرمشاهی تحت عنوان «درآمدی بر تاریخ قرآن»، به فارسی ترجمه شده است.

### ۳- ریچارد بل و جمع و تدوین قرآن

بل در کتابش به بررسی جمع و تدوین قرآن در عصر پیامبر ﷺ، ابوبکر و عثمان پرداخته و معتقد است: محمد ﷺ نمی‌توانسته نسخه کاملی از قرآن را تدوین کرده باشد که اگر چنین بود، بعدها دیگر جمع و تدوین قرآن پس از ایشان نیاز نبود. (Bell, p.38)

1. A Dupli cate in The Koran, The composition of surah XXIII, "MW 18, 1928, 227 – 233".  
2. The Men of The A'raf (surah vii: 44), MW 22. 1932, 43 – 48  
3. The Qurān. Translated with a critical re – arrangment of The surahs, Edinburgh: T. and T. clark, 1937 – 39.  
4. "Muhammad and Divorce in The Qurān", MW 29, 1939, 55 – 62.  
5. The style of The Qurān«, TGOS 11, 1942 – 44, 9 – 15.  
6. Muhammad's knowledge of The old Testament, studia semitīca et Orientalia, II, Presented vol. to W. B. Stevenson, Glasgow: 1945, 1 – 20.  
7. "surat al – Hashr", a study of its composition, MW 38, 1948, 29 – 42.  
8. Introduction to The Qurān , Edinburgh: University press, 1953; 1970; 1990. (Islāmīc surreys 8).  
9. Commentary on The Qurān. 1: Surahs I- XXIV, 2: Surahs XXV – CXLIV. Ed. C. E. Bos worth and M. E. J. Richardson. Manchester: 1991.

در زمان ابوبکر نیز بعید است هیچ جمع و تدوین رسمی موجود بوده باشد، لیکن مسلم است که حفصه صحفی در اختیار داشته است. بدین ترتیب محتمل است که بخش اعظم قرآن به نوعی در زمان حیات محمد ﷺ نوشته شده بوده و حتی محتمل است که چندین نسخه از بخش هایی از آن در دست افراد مختلف بوده است. (همان، ۱۰۶) پس، قطعاً بطور عملی چنین به نظر می‌رسد که در زمان خلافت ابوبکر، هیچ مجموعه کاملی از قرآن به شیوه رسمی تهیه نشده بود. (ibid, p.41-42)

گردآوری و رسمی سازی متن قرآن در زمان عثمان نیز، باید در تاریخی بین سال ۶۵۰ میلادی (۳۰-۳۱ق)

و سال وفاتش یعنی ۶۵۶ میلادی (۳۶-۳۷ق) انجام شده باشد. اوج کمال و شکل یابی نسخه رسمی قرآن، این رویداد است. تصمیم‌گیری در خصوص آنچه باید حفظ شود و آنچه باید کنار گزارده شود، با هیئت گماشته شده از طرف عثمان بود؛ این هیئت تعداد و توالی سوره‌ها را نیز تثبیت کرد، و در نهایت متنی فاقد علائم سجاوندی و نقطه و نشان و حرکت ارائه نمود. (ibid, p. 44)

در این مقاله، از میان دیدگاه‌های فوق فقط به بررسی نظرات بل در خصوص کیفیت جمع و تدوین قرآن در زمان رسول خدا ﷺ پرداخته می‌شود.

#### ۴- دیدگاه ریچارد بل در خصوص جمع و تدوین قرآن در عصر پیامبر ﷺ

بل با اعتقاد به وجود آشنایی با خط و کتابت و نوظهور نبودن خط مقارن با بعثت نبی اکرم ﷺ در عربستان، که آن را مخالف نظر محققان اروپایی می‌داند، (ibid, p.31)، کیفیت خط موجود در صدر اسلام را جهت نگارش قرآن، اینچنین توصیف می‌نماید: «در میان مسلمانان دانش قرآن بیشتر مبتنی بر حافظه و حفظ بود تا کتابت، و خط بی‌مصوت و بی‌حرکات و اعراب scriptio defectiva، خطی بود که در ابتدا قرآن را با آن کتابت می‌کردند، برخلاف خط با مصوت و باحرکات و اعراب scriptio plena که قرآن را در

عصر جدید با آن نوشته‌اند.» (ibid, p.47) وی با وجود اعتقاد به وجود خط مقارن با بعثت نبی اکرم ﷺ، لیکن مخالف جمع و تدوین قرآن در عصر رسالت است. می‌توان علت مخالفت او در این خصوص را طبق دیدگاه‌های وی، تحت سه عنوان مورد بررسی قرار داد:

۱. عدم کتابت قرآن در مکه؛
۲. ماهیت حافظه‌ای قرآن و نسیان پیامبر ﷺ؛
۳. عدم چینش کامل آیات در سور

#### ۴-۱. عدم کتابت قرآن در مکه

یکی از علل باورمندی بل به عدم جمع و تدوین قرآن را در زمان رسول خدا ﷺ، عدم کتابت قرآن در مکه، می‌باشد. دلایل وی در این خصوص به شرح ذیل می‌باشد:

##### ۴-۱-۱. نامناسب بودن ابزارهای نگارش مقارن با بعثت پیامبر ﷺ

از آنجا که اولین گام در مسیر نگارش، استفاده از ابزارهای مناسب آن می‌باشد. از این رو کتابت قرآن مجید نیز نیاز به ابزارهای مناسب خود داشت. بل در این خصوص معتقد است: «این گزارش که نخستین جمع و تدوین قرآن به دست زید بن ثابت و در زمان خلافت ابوبکر صورت گرفته، موافق نظر همگان است و در بسیاری از منابع ذکر شده است، و براساس آن قرآن نه تنها از "حافظه رجال"، بلکه از روی قطعاتی از پوست یا پایروس، سنگ‌های مسطح، برگ‌های درخت خرما، استخوان‌های کتف و دندۀ حیوانات و قطعات چرم و چوب گردآوری شده است... احتمالاً این گزارش موثق نیست.» در ادامه بل به تحلیل این گزارش پرداخته و کم ارزش بودن ابزارهای نگارش مذکور را، علت موثق نبودن احتمالی این گزارش دانسته و بیان می‌دارد: بدون شک اشیاء ذکر شده، گاهی برای کتابت در مکه و مدینه به کار می‌رفته‌اند... سپس به پایروس، و به کارگیری آن در مکه اشاره می‌نماید: «اینکه چرا نباید پایروس در مکه رواج داشته باشد، دلیلی ندارد زیرا پایروس برتری بیشتری بر پوستی که از دباغی حیوانات به عمل می‌آمده داشته است و برای مقاصد بازرگانی و مکاتبات شخصی به کار گرفته می‌شده است.» (ibid,p.32)

#### ۴-۱-۲. زمان آغاز نگارش قرآن کریم و کاتبان وحی

وی در خصوص زمان آغاز کتابت قرآن نیز، این زمان را به دوران پس از هجرت به مدینه موکول نموده و چنین می‌گوید: «احتمالاً در آغاز تلاشی برای بازنویسی و نگارش پیام‌های وحیانی صورت نمی‌پذیرفته است و بعد از هجرت به مدینه نوشتن باب شد.» (ibid, p.136) همچنین، بل تاریخ نزول و کتابت قرآن (قرآن / قرائت) را به دو دوره تقسیم می‌نماید: دوره نخست مرتبط به اوایل نزول وحی می‌باشد و دوره دوم را که دوره کتابت است، مربوط به سال‌های آخر بودن در مکه و یکسال اول مدینه می‌داند و در معرفی این دوره می‌گوید: «پیامهای وحیانی واصل شده و کتابت شده در این دوره سرآغاز نگارش یک قرآن عربی است.» (ibid,p.137) در خصوص کاتبان وحی نیز بیان می‌دارد: «مسئله استخدام کاتبان، بعد از رفتن پیامبر ﷺ به مدینه، امری مسلم و مستند است.» (ibid,p.37) در مجموع، نکاتی که در آراء بل مشهود است بدین شرح می‌باشد:

الف) مردم با خط و کتابت در زمان ظهور اسلام آشنایی داشته‌اند. همچنین آشنایی با نگارش و ابزارهای نگارشی در مکه وجود داشته است. ب) در ابتدا قرآن را با خط ابتدایی بی مصوت و بی حرکات و اعراب، scriptio defectiva، کتابت می‌کردند. ج) کتابت قرآن در سالهای اول بعثت، در مکه انجام نشد. د) کتابت قرآن و استخدام کاتبان وحی در دوره مدنی صورت پذیرفته است. که همین نکات، وجود کتابت قرآن در مکه را محتمل می‌سازد.

#### ۴-۲. ماهیت حافظه‌ای قرآن و نسیان پیامبر ﷺ

دو باور دیگر بل که به نظر او، از جمله دلایل عدم جمع و تدوین قرآن در عصر رسول خدا ﷺ می‌باشد، عبارتند از:

#### ۴-۲-۱. نقش حافظه در جمع قرآن

بل معتقد به ماهیت حافظه‌ای برای قرآن می‌باشد و در این خصوص بیان می‌دارد: «در

ابتدا پیام‌های الهی به سادگی توسط محمد ﷺ و یارانش به خاطر سپرده شده و حفظ می‌شد، گرچه برخی از آنها ممکن بود بعداً توسط کاتبان محمد ﷺ نوشته شود.» (Bell, p.10) و «در میان مسلمانان دانش قرآن بیشتر مبتنی بر حافظه و حفظ بود تا کتابت.» (ibid, p.47) همچنین می‌گوید: «محتمل است که محمد ﷺ و مسلمانان برای مدتی که شاید چند سال باشد، پیامهایی را که بر وی نازل می‌شد، فقط در حافظه حفظ می‌کردند. این کار در فرهنگ عمدتاً شفاهی (آن زمان) عملی متعارف بود. اشعار عربی پیش از اسلام نیز همین‌گونه حفظ می‌شد.» (ibid, p.30)؛ و در جای دیگر می‌افزاید: «در زمان وفات محمد ﷺ، اساساً آیات نازل شده در حافظه محمد ﷺ و اصحابش حفظ شده بود و پس از وفات او، "قلوب الرجال" همچنان مکان ذخیره قرآن یا بخشهایی از آن بود؛ از آنجا که قرآن هنوز جمع‌آوری نشده بود، هیچ کس نمی‌توانست قرآن را به صورت یک کل واحد از برداشته باشد، گرچه ممکن بود تعداد کمی از افراد بیشتر بخش‌های آن را حفظ باشند.» (ibid, p.37)

#### ۴-۲-۲. نسیان پیامبر ﷺ

بل با ممکن دانستن فراموشی برخی آیات از سوی پیامبر ﷺ چنین فرضی را اظهار می‌دارد: «پاسخ به این سوال که آیا قرآن موجود و رسمی کنونی شامل کل وحیی است که محمد ﷺ دریافت کرده، سخت است. اثبات پاسخ منفی دشوار است؛ و ما هم نمی‌توانیم مطمئن باشیم که هیچ قسمتی از قرآنی که بر او وحی شده، از بین نرفته است. خود قرآن از این امکان که ممکن است خداوند سبب شود محمد ﷺ بعضی عبارات یا آیات قرآنی را فراموش نماید، سخن می‌گوید.» (الاعلی، ۶) علاوه بر این قرآن بیان می‌دارد که وقتی این اتفاق رخ دهد آیات دیگری به همان خوبی یا بهتر، جانشین آیات یا عبارات فراموش شده خواهد شد. (البقره، ۱۰۶) «باید متذکر شد که برخی از مسلمین پذیرش چنین تفسیری را در مورد آیه ۱۰۶ بقره دشوار یافته و سعی نموده‌اند با توسل به دیگر قرائات و تفاسیر از آن پرهیز نمایند.» (ibid, p.54-87) «اشاره به فراموشی محمد ﷺ در آیه ۶ اعلی حاکمی از

بی‌اعتمادی او نسبت به حافظه‌اش می‌باشد.» (ibid,p.105) و در راستای تأیید فراموشی رسول خدا ﷺ نیز بیان می‌دارد: «همچنین حدیثی هست که توصیف می‌کند چطور محمد ﷺ قرائت قرآن مردی را در یک مسجد شنید و فهمید عبارت قرائت شده در بردارنده آیه یا آیاتی بود که او فراموش کرده بود.» (ibid,p.54)

جمع‌بندی نظرات بل حاکی از آن است که:

الف) در زمان پیامبر ﷺ، نگهداری و ضبط آیات الهی به صورت «حفظ یا از بر نمودن» همواره مورد توجه نبی اکرم ﷺ و صحابه گرانقدر ایشان بوده به طوری که میان تاریخ نزول وحی‌های اولیه و کتابت آن فاصله‌ای وجود داشت و آیات الهی تا چند سال فقط در حافظه، حفظ می‌شدند؛ در نتیجه قرآن بیشتر بر حافظه متکی بود تا بر نوشتن و ماهیت حافظه‌ای داشت و با این وجود، کسی قرآن را به صورت یک کل واحد در حافظه نداشت و فقط افراد معدودی بخشهایی از آن را حفظ بودند. ب) سپس با نسبت دادن نسیان به پیامبر ﷺ، تضمینی برای محفوظ ماندن قرآن در حافظه‌ها قائل نمی‌شود؛ زیرا معتقد است رسول خدا ﷺ بعضاً دچار فراموشی می‌گردید. ج) با تأیید آیاتی از قرآن کریم، بخشی از وحی با خواست خداوند فراموش شده است.

#### ۳-۴. عدم چینش کامل آیات در سور

اعتقاد به عدم چینش کامل آیات در سور در عصر رسول خدا ﷺ، علت دیگری است که منجر به باور عدم جمع و تدوین قرآن در این عصر، از سوی بل شده است. اظهارات وی در این خصوص به شرح ذیل می‌باشد:

#### ۳-۴-۱. چگونگی چینش آیات در سور

بل معتقد است: «حتی اگر قبول نمایم که بیشتر آیات در عصر رسول خدا ﷺ چینش شده‌اند اینکه معلوم شود این چینش تا چه حدی با چینش امروزی مطابقت دارد امری قابل

توجه است.» (Bell, p.38) سپس با اشاره به روایاتی که زمان جمع قرآن را عهد رسول خدا ﷺ می‌داند، می‌نویسد: «احادیث دیگر از این حکایت دارند که محمد ﷺ به کاتبش می‌فرموده است یک عبارت تازه وحی شده را بعد از کدام عبارت قبلی بگذارد. مطلوب آن بوده است که آیات الاحکام در مدینه فوراً نوشته شوند.» (ibid)

و در نهایت معتقد است: «با قاطعیت می‌توان ابراز داشت که "کتاب" هیچ گاه کامل نشده است. محتمل است به دلیل ضرورت‌های جامعه‌ای که با دشمنان خارجی می‌جنگد و... کار جمع و تدوین قرآن، که همان گنجاندن آیات و عبارات وحیانی پیشین با نظم و ترتیبی مناسب است را رها کرده باشند.» (ibid, 143)

### ۴-۳-۲. چگونگی شکل‌گیری سوره

در خصوص چگونگی شکل‌گیری سوره‌ها نیز، بل این فرضیه را بیان می‌نماید: «ممکن است برخی "سوره" را به عنوان واحد ترتیب و تدوین وحی و تنزیل قرآن فرض نمایند و این مفهوم از طرح تحدی در آیه ۳۸ سوره یونس و آیه ۱۳ سوره هود از خود قرآن حاصل می‌شود. در زمان حیات پیامبر ﷺ، سوره‌ها دقیقاً یکسان با سوره کنونی نبوده و احتمالاً در بردارنده قسمت اصلی سوره‌های کنونی بوده‌اند و آنها نظم قطعی و ثابتی نداشته‌اند. بدین ترتیب کار گردآورندگان افزودن همه آیات و عبارات پراکنده و جدا مانده در موضوع مناسب هر یک، به هسته اولیه سوره‌ها بوده است و این موارد همه در یک جا مضبوط نبوده، بلکه در حافظه صحابیان و بخشی نیز در میان نوشته‌های متفرقه محفوظ بوده است.»

وی در ادامه در خصوص میزان مطالب افزوده شده به سوره‌ها معتقد است: «میزان نسبی آیات در سوره‌های گردآوری شده توسط شخص پیامبر ﷺ و اینکه بعداً به هر کدام چه چیزهایی افزوده شده، همچنان مجهول است. می‌توان فکر کرد که حداکثر مطالبی که باید به هر سوره اضافه شود ممکن است دوباره به اندازه و حداقل شاید یک پنجم حجم سوره‌ها باشد.» (Bell, p. 38-39) درجایی دیگر می‌گوید: «قسمت بیشتری از قرآن به شکل

سوره - سوره، قبل از آنکه گردآوری کنندگان کارشان را شروع نمایند، مرتب شده بود. در نتیجه احتمال دارد به وسیله شخص محمد ﷺ و با هدایت مداوم و حیانی عمل جمع و تدوین صورت پذیرفته باشد». (ibid, p.90) همچنین معتقد است: «زمانی که مخالفان پیامبر ﷺ به تحدی طلبیده می‌شوند تا یک سوره یا ده سوره شبیه آنچه به محمد ﷺ وحی شده بیاورند، به معنای آن است که ده قسمت که ممکن است "سوره" نامیده شوند، نزد پیامبر ﷺ بوده است.» (ibid) بل، نخستین جمع و تدوین قرآن را به زمان عثمان نسبت می‌دهد، (ibid, p.44) و درخصوص زمان مدون شدن قالب فعلی قرآن اظهار می‌دارد: «گردآوری و بازنویسی هرآنچه که مکتوب و محفوظ بود، پس از رحلت پیامبر ﷺ و در زمان عثمان صورت گرفت و در نهایت همین قرآنی را که می‌شناسیم تشکیل داد.» (ibid, p.10)

این قسمت از اظهارات بل حاکی از آن است که:

الف) وی چنین آیات در زمان پیامبر ﷺ را کاملاً منطبق با چینش امروزی آیات و قرآن‌های موجود نمی‌داند و معتقد است با وجودی که ترتیب اغلب آیات توسط شخص نبی اکرم ﷺ و با رهنمودهای و حیانی مشخص شد، در زمان حیات ایشان نسخه کاملی از قرآن تدوین نگشته است و بیشتر وحی به خاطر سپرده شده است. ب) وی با ارائه فرضیه‌ای که آن را مطابق با واقعیت می‌داند، «سوره» را واحد ترتیب و تدوین وحی و تنزیل قرآن در نظر می‌گیرد و معتقد است آنچه در زمان پیامبر ﷺ در سوره‌ها قرار گرفته، هسته اولیه سوره‌ها بوده و همه آیات در سوره‌ها جای نگرفته‌اند و معلوم نیست چه میزان از آیات توسط شخص پیامبر ﷺ در سوره‌ها قرار گرفتند و چه مقدار از آیات بعداً به آنها اضافه شدند و این در حالی است که بخش اعظم سور توسط پیامبر ﷺ و با رهنمود الهی مرتب گردید. ج) بخش‌هایی که جا مانده‌اند بعداً از حافظه صحابه یا از روی مکتوبات متفرقه به سور افزوده شده‌اند که میزان آنها یک پنجم سوره‌ها بوده است. بنابراین سور کنونی متفاوت از سوره‌های موجود در عهد پیامبر ﷺ می‌باشند و در زمان ایشان سور شکل قطعی و ثابت نداشته‌اند و کل قرآن در عهد نبی اکرم ﷺ، مکتوب نگردید. د) زمانی

که پیامبر ﷺ مخالفان را به تحدی طلبید، تنها ده سوره از قرآن نزد پیامبر ﷺ بود.

## ۵- نقد و بررسی دیدگاه‌های ریچارد بل در خصوص جمع و تدوین قرآن در عصر پیامبر ﷺ

آراء ریچارد بل در زمینه جمع و تدوین قرآن در زمان پیامبر ﷺ، با نظر قرآن پژوهان مسلمان و حتی بسیاری از خاورشناسان متفاوت است. لذا دیدگاه‌های وی از جهات مختلفی قابل نقد و بررسی است که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

### ۵-۱. نظریه عدم کتابت قرآن در مکه

بل با وجود اعتقاد به نوظهور نبودن و وجود خط و کتابت در عربستان همزمان با بعثت رسول اکرم ﷺ منکر کتابت قرآن در مکه شده است. این در حالی است که کتابت قرآن در مکه و از زمان نزول آیات وحیانی وجود داشته است؛ لذا دیدگاه وی با شواهد زیر قابل نقد است:

الف) خواندن و نوشتن در زمان رسول خدا ﷺ در دو شهر مکه و مدینه وجود داشت، منتهی تعداد کمی از مردم خوانا و نویسا بودند. (رامیار، ۵۰۱)

ب) همانطور که روشن گشت، همزمان با نزول قرآن و ظهور اسلام، عده‌ای معدود از زنان و مردان در سرزمین عربستان با خط و نوشتن آشنایی داشتند. در آن زمان خط وضعیتی ابتدایی داشت و معروف است که نوشته‌های صحابه خالی از هرگونه نقطه و علامتی بوده است، بطوری که آن خط نه نقطه داشت و نه زیر و پیش، حتی بالاتر از آن، حروف عله (الف، واو، یاء) نیز در کلمه نوشته نمی‌شد (همانجا، ۵۲۷) و کاستی‌های فراوانی در آن وجود داشت. بنابراین حتی طبق نظر بل، آشنایی با خط و نگارش و ابزارهای نگارشی در مکه وجود داشت. طبق منابع اسلامی نیز، مقارن با ظهور اسلام خطی که مسلمین در آغاز با آن به نگارش و تدوین قرآن پرداختند، همان خط بدون نقطه و اعراب و دارای نقص بود (عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۲۴۲/۱) بنابراین ابتدایی بودن خط دلیلی برای عدم کتابت قرآن در مکه نمی‌باشد.

ج) بهترین شاهد در رد ادعای بل مبنی بر عدم کتابت قرآن در مکه، آیاتی از قرآن می‌باشد. این موضوع علاوه بر نخستین آیات نازل که از «قلم» گفتگو کرده (العلق، ۱-۵)، مورد تأیید آیاتی است که در آنها از برخی دیگر از ادوات کتابت سخن آورده مانند آیات: «قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا» (الکهف، ۱۰۹) «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» (القلم، ۱) «وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ، فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ» (الطور، ۲-۳). جالب آنکه این آیات همگی مکی‌اند و قبل از هجرت نازل شده‌اند. (فقهی‌زاده، ۴۴-۴۵) بنابراین، در درجه اول قرآن خود گواه است که از همان سال‌های اقامت در مکه و مدتها پیش از هجرت، قرآن نوشته شده و دست به دست می‌گشته است. آیات (۱ تا ۵) سوره علق، کاملاً اشتغال خاطر پیامبر ﷺ را برای حفظ قرآن از طریق تضمین به کتابت بازگو می‌کند. (رامیار، ۲۵۷)

د) بل در تأیید وجود ابزارهای نگارش در مکه، ضمن اشاره به برتری پایروس نسبت به سایر ابزارهای نگارشی که برای کتابت قرآن به کار رفته‌اند و آنها را بسیار کم ارزش دانسته، بیان داشت: «بدون شک اشیاء ذکر شده، گاهی برای کتابت در مکه و مدینه به کار می‌رفته‌اند.» (Bell, p. 32) مسلم و آشکار است که این سخن وی، تناقضی در گفتار او و اقرار بر امکان و وجود کتابت قرآن در مکه همزمان با بعثت نبی اکرم ﷺ، بر روی همین ابزارهای کم ارزش است، و موجب نقض ادعای وی مبنی بر عدم کتابت قرآن در مکه می‌شود.

ن) همچنین بل وجود کاتبان وحی و استخدام آنها برای نگارش آیات را به بعد از هجرت منحصر می‌کند، حال آنکه ضمن رد این موضوع، طبق منابع اسلامی، با اثبات وجود کاتبان وحی در مکه از همان ابتدای نزول آیات، از این مطلب بعنوان شاهد دیگری در رد ادعای عدم کتابت در مکه، استفاده می‌شود:

در حالی که پیغمبر اکرم ﷺ به کاتبانی نیاز داشت تا در شئون مختلف از جمله وحی برای او کتابت کنند؛ لذا چه در مکه و چه در مدینه زبده‌ترین باسوادان را برای کتابت، انتخاب فرمود. اولین کسی که در مکه عهده‌دار کتابت مخصوصاً کتابت وحی شد؛ علی بن

ابی طالب علیه السلام بود و تا آخرین روز حیات پیامبر صلی الله علیه و آله به این کار ادامه داد. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز اصرار فراوان داشت تا علی علیه السلام، آنچه را نازل می‌شود، نوشته و ثبت نماید تا چیزی از قرآن و وحی آسمانی از علی علیه السلام دور نماند. (معرفت، تاریخ قرآن، ۲۸) همچنین مشکل اصلی کار را کتابت وحی در دوران اقامت رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه تشکیل می‌داد. زیرا اگر آیات مکی و مدنی مورد مقایسه قرار گیرد، از یکصد و چهارده سوره قرآن، هشتاد و شش سوره در مکه آمده و یا اینکه از ۶۲۳۶ آیه، قریب ۱۶۰۰ آیه فقط مدنی است (یعنی کمی بیشتر از ربع). اگر شمار کلمات در نظر گرفته شود به تقریب، کمی بیش از یک ثلث قرآن در مدینه و قریب دو ثلث آن در مکه نازل شده است. بدین ترتیب، اهمیت نویسندگان وحی در مکه بیشتر نمودار می‌شود. (رامیار، ۲۶۳)

#### ۵-۲. نظریه ماهیت حافظه‌ای قرآن و نسیان پیامبر صلی الله علیه و آله

شواهد زیر، نسبت دادن نسیان به رسول خدا صلی الله علیه و آله و پذیرش ماهیت حافظه‌ای برای قرآن از سوی بل را مردود می‌سازد:

الف) اینکه در بدو امر تمام توجه رسول خدا صلی الله علیه و آله و اصحابش، به حفظ قرآن و حفظ آن در سینه‌ها بود، نکته‌ای درست است زیرا این امر سنتی کهن و عاداتی رایج در میان اعراب بود. ابزار نوشتن چنانکه باید آماده نبود و تعداد نویسندگان نیز زیاد نبود. از این رو توجه به حفظ در سینه‌ها بر توجه به حفظ قرآن از طریق کتابت برتری داشت، ولی چنین هم نبود که کار نوشتن قرآن یکسره فراموش گردد و دیگر کسی به آن اهتمام نرزد. این امر نیز در جای خود مورد توجه خاص پیامبر صلی الله علیه و آله بود. هرگاه آیاتی نازل می‌شد، حضرت کسی یا کسانی از نویسندگان را به نوشتن وحی امر می‌فرمود و در ضبط و تسجیلش نهایت دقت و احتیاط را به کار می‌بست، تا نوشتن پشتیبان حفظ باشد و حفظ یاور نقش لفظ. (رامیار، ۲۵۷) لذا قرآن ماهیت حافظه‌ای ندارد.

ب) وجود کاتبانی چون امام علی علیه السلام؛ زیرا آن حضرت نخستین کسی بود که در مکه

برای پیامبر ﷺ نوشت و تا آخر حیات ایشان آنرا ادامه داد. از ویژگی‌های امام علی علیه السلام این بود که هیچ بخشی از وحی را از دست نداد و همگی را به نگارش درآورد. (معارف، درآمدی بر تاریخ قرآن، ۱۰۱؛ معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۶)

ج) همچنین ادعای بل مبنی بر تعداد کم حافظان قرآن را قابل رد است، زیرا: حفظ قرآن در آن زمان امری متداول بوده است. صحابه به دلیل اهمیت والای قرآن در حفظ آن برهم سبقت می‌جستند و در نتیجه در جامعه آن روز، در فاصله کوتاهی صدها نفر حافظ قرآن شدند. (الزرقانی، ۲۴۱/۱) وقایعی چون بئر معونه و رجیع، که در آنها بیش از ۷۰ تن از قاریان و حافظان قرآن به شهادت رسیدند، مؤیدی بر این امرند زیرا نشان از آن دارند که تعداد حفاظ بسیار بیشتر از این تعداد بوده و ۷۰ نفر آنان در این وقایع به شهادت رسیده‌اند. (طبرسی، ۸۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۹۵/۱؛ مجلسی، ۲۱/۲۰)

د) بل در اثبات فراموشی پیامبر ﷺ به حدیثی اشاره نموده است که در صحیح بخاری از قول عایشه نقل شده است. (البخاری، ۱۱۷/۸) ناقل این خبر عایشه است و او تنها از دوره نزول مدنی آیات می‌توانسته سخن بگوید. در آن دوره هم کاتبان وحی متعدد و فراوان بودند و بلافاصله پس از نزول هر آیه، آن را در حضور نبی اکرم ﷺ می‌نوشتند.

بنابراین با فرض صحت حدیث، این فراموشی نسیان تام نبوده، زیرا چنین نسیانی به اعتقاد همه مسلمانان بر نبی ﷺ محال است و مخلّ وظیفه رسالت و تبلیغ است. مسلماً آن آیه در ذهن پیامبر گرامی ﷺ بوده و با یادآوری قاری دوباره به خاطرش آمده است. (رامیار، ۱۶۷) لذا این حدیث، به هیچ عنوان سند و دلیل و یا مؤید شبهه نسیان رسول خدا ﷺ نمی‌باشد (عسکری، نقش ائمه در احیاء دین، ۱۸۰/۱) و مسلم می‌گردد که حدیث بخاری با قرآن مخالف است و بل و بخاری به این مطلب مهم توجه ننموده‌اند.

البته با وجود چنین روایاتی در منابع اهل سنت آیا می‌توان بر امثال بل خرده گرفت که چرا به پیامبر ﷺ نسبت نسیان می‌دهند؟ همچنین برداشت نادرست بل از آیات «سَتُنْفِثُكَ فَلَا تَنْسَى - إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى» (الاعلی، ۶-۷) و «مَا تَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ

أَوْ نُسِبَهَا نَاتٍ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا» (البقره، ۱۰۶)، منجر به نسبت دادن فراموشی به رسول خدا ﷺ شده است. اشکالی که بر بل وارد است عدم عنایت وی به این مطلب است که آیه ۶ اعلی هم در مکه نازل شده است و هم در بردارنده وعده تخلف‌ناپذیر الهی به رسولش می‌باشد که هرگز دچار فراموشی نمی‌گردد، پس چگونه خداوند می‌تواند خود مسبب فراموشی پیامبر باشد! محتمل است اشتباه بل از استثنای «أَلَا مَا شَاءَ اللَّهُ» نشأت گرفته باشد، در حالیکه این استثناء بدین معنا است که لزوماً اثباتی در فراموشی پیامبر ﷺ در کار نیست، بلکه تنها قدرت خداوند را بر انساء رسولش می‌رساند بدین معنی که وقتی آیات را بر تو فرو می‌خوانیم، فراموشی آن برای تو غیر ممکن است مگر اینکه خداوند بخواهد تو را فراموش گرداند و هیچ چیز مشیت او را تغییر نخواهد داد. همچنین استثنای «أَلَا مَا شَاءَ اللَّهُ» به معنای آیات شریفه «وَكُنْ شِتْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عِلْمًا وَاكْبِلًا - إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنْ فَضَلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا» (الاسراء، ۸۶-۸۷) است. بنابراین، طبق فرمایش امام صادق علیه السلام، نه هرگز خداوند خواست و نه وحی را خواهد برد. و نه پیامبر ﷺ را در امر تبلیغ رسالت، دچار نسیان ساخت. پس رسول خدا ﷺ از شمول این آیه خارج است، (رامیار، ۱۶۹) و این عدم نسیان به مشیت خداست.

همچنین در آیه ۱۰۶ بقره، با توجه به آیات قبل و بعد و سیاق آیات، مشخص می‌گردد مراد خداوند در این آیه، سرزنش یهود است در صورتی که به قرآن و شریعت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و به انجیل عیسی علیه السلام ایمان نیاورند. بنابراین معنای واژه «آیه» در اینجا، حکمی از احکام شریعت است و اشاره به حاکمیت خدا در احکام، و قادر بودن او بر تشخیص همه مصالح بندگان را دارد. (مکارم شیرازی، ۳۸۹/۱) همچنین از آنجا که هیچ اجماعی نیز در خصوص دلالت معنای «آیه» به عنوان فرازی از سوره‌های قرآن وجود ندارد، مشخص می‌گردد که مراد از «آیه» در اینجا، حکمی از احکام الهی در امت‌های گذشته می‌باشد. لذا این آیه شریفه ارتباطی با نسیان پیامبر ﷺ ندارد.

### ۵-۳. نقد و بررسی دیدگاه‌های عدم چینش کامل آیات در سور و چگونگی شکل‌گیری سور

در تحلیل و نقد نظرات بل در این خصوص، در دو بخش به نظرات قرآن پژوهان استناد می‌شود:

#### ۵-۳-۱. نظر اندیشمندان مسلمان در خصوص توقیفی بودن چینش آیات

در خصوص توقیفی بودن چینش آیات در سور و تطابق کامل چینش آیات در سور در زمان پیامبر ﷺ با قرآن‌های امروزی، برخلاف اظهارات بیان شده از سوی بل، می‌توان شواهد زیر را دلیل آورد:

الف) ترتیب، نظم و عدد آیات در هر سوره در عصر رسول خدا ﷺ و به امر ایشان صورت پذیرفته و توقیفی است، پس باید تعبداً پذیرفته شود و سوره‌ها به همان ترتیب تلاوت شوند. «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز هر سوره بود، (زرکشی، ۳۵۶/۱) و ثبت آیات در سوره‌ها به ترتیب نزول بود تا زمانی که «بسم الله...» دیگری نازل شده و نشان از آغاز سوره‌ای دیگر داشت و این نظم طبیعی آیات بود. گاهی پیش می‌آمد پیامبر ﷺ - با اشاره جبرئیل - دستور قرار گرفتن آیه‌ای برخلاف نظم طبیعی در سوره دیگری را می‌داد، مانند آیه ۲۸۱ سوره بقره: «وَأَتَقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» که پیامبر ﷺ دستور ثبت آن را بین آیات ربا و آیه دین در سوره بقره داد؛ در نتیجه ثبت آیات در سوره‌ها توقیفی است، چه با نظم طبیعی باشد یا نظم دستوری، و با نظارت شخص رسول خدا ﷺ صورت گرفته و پیروی از آن ضروری و لازم است. (معرفت، تاریخ قرآن، ۸۸)

ب) روایات نیز مشخص می‌کنند که پس از املاء وحی، پیغمبر ﷺ از کاتب وحی می‌خواست آنچه را نوشته برای او بخواند و اگر اشکالی در آن نوشته بود، رفع می‌فرمود. از ابن عباس روایت شده که گفت: چون چیزی بر او [پیامبر ﷺ] نازل می‌شد، کسی از نویسندگان را می‌خواند و می‌گفت: این آیات را در جایی که چنین و چنان یاد شده، بگذار. (رامیار، تاریخ

قرآن، ۲۶۰) این امر نشان از اهتمام ویژه رسول خدا ﷺ به کتابت سریع و صحیح آیات چه در مکه و چه در مدینه دارد و توقیفی بودن مکان آیات را خاطر نشان می‌سازد.

ج) اجماع بر آن است که آیات قرآن به دستور الهی مرتب شده و بعد از نزول طبق دستور پیامبر ﷺ در فلان جا از فلان سوره قرار می‌گرفتند و موجب ترکیب و تنظیم این آیه با دیگر آیات می‌شد، این طرز جایگزینی نوعی اعجاز است که نشان از یکتایی و یکی بودن فرستنده قرآن یعنی خداوند یکتا دارد، آخرین مرتبه‌ای که قرآن توسط پیامبر ﷺ بر جبرئیل قرائت شد به همین ترتیب بوده و منکر آن، منکر ضروری دین است که از چهارچوب اسلام خارج شده و موجب تغییر و تبدیل در آن شده است. (ابوزهره، ۶۵)

د) در جلد اول اتقان سیوطی در ص ۱۰۵ چنین آمده است: «ثابت شده که پیغمبر اکرم ﷺ سوره‌های متعددی را به ترتیب آیات آنها، در نماز یا در خطبه جمعه با حضور صحابیان می‌خوانده و این مطلب دلیل صریحی است بر اینکه ترتیب آیات توقیفی است و هرگز صحابه ترتیبی برخلاف آنچه از پیغمبر ﷺ شنیده‌اند قبول نمی‌کردند، و این مطلب به حد تواتر رسیده است». زرکشی در «برهان»، جعفر بن زبیر و جمعی دیگر درباره ترتیب توقیفی آیات و اینکه از جانب پیغمبر ﷺ است ادعای اجماع کرده‌اند. (کمالی دزفولی، ۱۰۱)

ن) بل همچنین، پرداختن به ضروریات حکومت و جامعه، و مسائل و امور داخلی چون جنگ را مانع از فراهم بودن وقت و فرصت کافی جهت رسیدگی به کار جمع و تدوین قرآن دانسته به طوری که معتقد است، آن حضرت این کار را معلق گذاشته و کتاب خدا را تدوین نکرده است. ممکن نیست که چنین مسائلی نبی اکرم ﷺ را که همواره در سخت‌ترین شرایط نیز اهتمام ویژه‌ای به قرآن داشتند، از اهمیت دادن به امور حفظ و نگارش این کتاب مقدس غافل سازد. وظیفه پیامبر ﷺ در وحله اول ابلاغ و اجرای کامل وحی و دستورات الهی بوده است و هیچ‌گاه در عمل به این مسئولیت خطیر و اهتمام به قرآن و حفظ و کتابت آن، لحظه‌ای غفلت و کوتاهی نمودند و این امر ادعای بل را مردود می‌سازد. از سوی دیگر پیامبر ﷺ کاتبانی داشتند که تحت نظارت و راهنمایی آن حضرت، کتابت

قرآن را برعهده داشتند و اینگونه نبود که رسول خدا ﷺ خود شخصاً کاتب قرآن باشند در نتیجه هیچ گاه کار جمع و تدوین قرآن به تعویق نیفتاد.

و) قرآن کریم نیز، خود دربردارنده آیاتی است که بیانگر نزول قرآن از جانب خداوند متعال می‌باشند، و همگی دلالت بر آن دارند که همانند الفاظ و معانی، تألیف و چینش آیات در چارچوب سوره‌ها نیز، تماماً از سوی خداوند است.<sup>۱</sup>

ه) روایات ختم و عرضه قرآن، شاهد دیگری است. برخلاف نظر بل که معتقد است پیامبر ﷺ در زمان حیات خود فقط قسمت‌هایی از قرآن را جمع و تدوین نمود، برخی از شواهد حکایت از ختم قرآن در زمان رسول اکرم ﷺ، توسط آن حضرت و توسط برخی از صحابه دارد. علاوه بر آن در مواردی رسول خدا ﷺ به اصحاب خود از جمله ابن مسعود به خواندن قرآن و عرضه آن بر حضرتش دستور می‌داد، چنانکه این موضوع در سیره علیؓ نیز متداول بود، و به این ترتیب قرآن بارها توسط پیامبر ﷺ و صحابیان نزدیک به او از جمله علیؓ، ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود ختم و مقابله گردید. (معارف، شناخت قرآن، ۲۳۳) همچنین عرضه قرآن از سوی پیامبر اکرم ﷺ بر جبرئیل همه ساله یک بار و در سال حجة الوداع دوبار انجام گرفت. (السیوطی، تناسق الدرر فی تناسب السور، ۵۷)

از دیگر ادله تاریخی - روایی در این خصوص، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:  
 احادیثی که پیامبر ﷺ در آنها از ابتدا و انتهای سوره‌ها اسم برده‌اند،<sup>۲</sup> روایاتی که ضمن اشاره به شیوه تلاوت نبی اکرم ﷺ، در آنها از زبان حضرت نام بسیاری از سوره‌های قرآن آمده است،<sup>۳</sup> روایات فضایل سور،<sup>۴</sup> و نقل‌های مربوط به تشخیص سوره‌ها در زمان رسالت. ادله فوق همگی نشان از چینش توقیفی آیات در قرآن کریم داشته و بیانگر آن است که

۱. برای نمونه نک: ۱۹/ الانعام؛ ۸۹/ النحل؛ ۶/ النمل؛ ۱۵/ المائدة؛ ۲۳/ الانسان؛ ۱۱۳/ النساء؛ ۸۹/ البقره.

۲. برای دیدن نمونه نک: البخاری، صحیح البخاری، ۲۵۷/۸.

۳. برای دیدن نمونه نک: السیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۲۹۵/۱.

۴. برای دیدن نمونه نک: مجلسی، بحارالانوار، ۳۶۸/۹۲.

این چینش طبق وحی الهی و توسط شخص رسول خدا ﷺ صورت پذیرفته است؛ در نتیجه قرآن امروزی از نظر ترتیب آیات در سوره‌ها مطابق و منطبق با آیات نگاشته شده در سوره‌ها در زمان پیامبر ﷺ می‌باشد.

### ۵-۳-۲. نظر قرآن پژوهان در خصوص شکل‌گیری و تشخیص سوره در زمان

#### رسول خدا ﷺ

الف) قرآن با ۱۱۴ سوره از روز نخست به همین صورت فعلی، نه کم و نه زیاد، نازل شده و از طریق پیامبر ﷺ با نقل صحابه و تابعین به دست ما رسیده است. این عدد متواتر است، زیاده بر این فاقد اعتبار و کمتر از این فاقد دلیل است. (معرفت، تاریخ قرآن، ۸۵) آنچه مهم است تکمیل سوره‌ها و مستقل بودن هر سوره از دیگری بود تا آیات هر سوره با آیه‌های سوره دیگر اشتباه نشود. این مهم در عهد پیامبر ﷺ صورت گرفت. (همان، ۸۹) همچنین از مجموع زندگی رسول خدا ﷺ و اخبار رسیده، این حقیقت که قرآن در زمان پیامبر ﷺ گردآوری و تألیف شده است، آشکار می‌گردد. (خوئی، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ۲۵۱؛ البیان فی تفسیر القرآن، ۳۳۸)

ب) در دوران رسالت، به ویژه در ایام پایانی زمان زندگانی پیامبر اکرم ﷺ، حد و مرز سوره‌های قرآن تعیین شده بود. مسلمانان در سالیان درک محضر رسول خدا ﷺ بسیاری از همین سوره‌ها را در نماز از زبان ایشان شنیده یا خود قرائت کرده بودند؛ وگرنه، چگونه می‌توان رواج آموزش، حفظ و قرائت سوره‌ها را در روزگار نزول تصور کرد؟! (فقهی‌زاده، ۵۹-۶۰) همچنین از نظر همه فرق اسلامی، نظم گرفتن در الفاظ و کلمات در عبارات قرآنی قطعاً طبق وحی الهی صورت گرفته و بشر دخل و تصرفی در آن نداشته است. (همان، ۱۰۳)

پ) از ابن عباس نقل شده است: «پیامبر ﷺ جدایی سوره را با نزول بسم الله الرحمن الرحیم می‌شناخت و درمی‌یافت که سوره [بیشین] به پایان رسیده و سوره‌ای دیگر آغاز

شده است». کاتبان وحی می‌دانستند که باید آیات را، در همان سوره‌ای که بسم الله آن نازل شده، براساس ترتیب نزول و یکی پس از دیگری ثبت نمایند، بی‌آنکه تصریح خاصی نسبت به تک تک آیات نیاز باشد. (معرفت، التمهیدی علوم القرآن، ۳۱۶)

ت) در همان عصر رسالت وجود قرآن مکتوب و مصحف احساس گردید و پیامبر ﷺ، مصاحف را به قبایل تازه مسلمان ارسال می‌نمود. رسول خدا ﷺ مسلمانان را تنها از همراه بردن مصحف به سرزمین‌های دشمنان یا معرکه‌های جنگ نهی فرمود. (ابن ماجه، ۹۶۱/۲؛ العاملی، ۸۵)

ث) تناقض آشکاری که در اظهارات بل مشاهده می‌شود این است که: چگونه ممکن است دستور جمع و تدوین قرآن بنا بر رهنمودهای الهی باشد لیکن شامل کل قرآن نگردد و پیامبر ﷺ، این مهم را برای تمام آیات الهی لحاظ نمایند و تنها قسمتی از آیات مدون شوند. اگر چنین باشد برتری آیاتی که چینش توفیقی داشته‌اند نسبت به آیاتی که رها شده‌اند چه بوده است؟ لذا ادعای بل مبنی بر جایگزینی بخشی از آیات در هر سوره، یعنی تشکیل هسته اولیه سوره‌ها در زمان رسول خدا ﷺ و تکمیل سور بعد از رحلت ایشان ادعایی باطل است، که اگر چنین بود و ادعای بل صحت داشت حتماً در تاریخ و علوم قرآن و منابع اسلامی به آن اشاره‌ای شده بود.

ج) همچنین ادعای بل مبنی بر میزان آیات به جا مانده از چینش در سوره‌ها که میزان آنها را یک پنجم حجم هر سوره بیان می‌نماید ادعایی کذب است که نه تنها خود هیچ دلیل و مدرک مستند و معتبری برای آن ارائه نکرده است، بلکه در میان منابع و مآخذ و اسناد معتبر اسلامی نیز اشاره، دلیل یا تذکری در این خصوص مشاهده نمی‌گردد و همانطور که اشاره گردید این منابع از تکمیل سور در عصر نبوی حکایت دارند. بنابراین ادعای وی در خصوص وجود تفاوت در آیات سور موجود در زمان نبی اکرم ﷺ و سور کنونی قرآن نیز ادعایی پوچ و گزاف است.

چ) همچنین بل ادعا می‌کند: زمانی که مخالفان پیامبر ﷺ به تحدی طلبیده می‌شوند تا

یک سوره یا ده سوره شبیه آنچه به رسول خدا ﷺ وحی شده بیاورند، به معنای آن است که ده قسمت که ممکن است «سوره» نامیده شوند، نزد پیامبر ﷺ بوده است. وی آوردن ده سوره برای تحدی را به منزله نزول و وجود ده سوره تا آن زمان در نزد پیامبر ﷺ استنباط نموده است. این اظهارات او از یک سو، نشان از برداشت اشتباه وی از مفهومی که عنوان نموده دارد و از سوی دیگر، برای این ادعای خود هیچ دلیل معتبر و مستندی ارائه نموده است. آنچه مسلم است این است که تعداد سوره‌های نازل شده بر رسول اکرم ﷺ تا زمان تحدی طلبی را نمی‌توان بطور دقیق بیان نمود. لذا ادعای او باطل است.

ح) از آنجا که استناد بل بیشتر به منابع اهل سنت است، اگر وی با تحقیق بیشتر همه روایات موجود در کتب اهل سنت را مورد بررسی قرار می‌داد، مسلماً به احادیثی چون این حدیث زید بن ثابت که می‌گوید: «كُنَّا حَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ نُؤَلِّفُ الْقُرْآنَ مِنَ الرَّقَاعِ» برخورد می‌کرد. این حدیث تاریخی از دو نوع کتابت در زمان پیامبر ﷺ حکایت دارد که عبارتند از: نگارش قرآن به شیوه متفرق و دیگر تألیف جامع قرآن از روی رقع‌ها، (معارف، شناخت قرآن، ۲۳۱-۲۳۲) در نتیجه مجالی برای این ادعاهای نادرست باقی نمی‌ماند.

خ) وی اولین جمع و تدوین قرآن را به زمان عثمان نسبت می‌دهد، (Bell, p.44) در حالی که با شواهد ذکر شده در این مقاله مسلم گردید در زمان پیامبر ﷺ و با نظارت ایشان کلیه آیات در سور جای گرفتند و سوره‌ها تشکیل و آیات مکتوب گردید.

د) در کتاب معروف موریس بوکای فرانسوی، تحت عنوان: «مقایسه‌ای بین تورات، انجیل و قرآن و علم»، دفاعیات فراوانی از سوی وی نسبت به ساحت قرآن به طرز منصفانه مشاهده می‌گردد. او در این کتاب در موضوع جمع و تدوین قرآن معتقد است: از همان آغاز، قرآن کریم مورد اهتمام نبی اکرم ﷺ و مؤمنان اطراف وی بوده و ثبت می‌گشته است. (بوکای، ۱۷۵)

ذ) هارالد موتسکی از منتقدان جدی مستشرقان پیشین در حوزه علوم قرآن و حدیث می‌باشد و معتقد است شیوه خاورشناسان از بنیان نادرست بوده است. او بر این باور است

که در سده دوم، حدیث جمع ابوبکر رواج داشته است. لذا جمع قرآن رابه اواخر سده اول هجری نسبت می‌دهد. (Motzki, p.27-29) وی همچنین در خصوص روایات مربوط به تاریخ قرآن اظهار می‌دارد: گزارش مسلمانان از آن تاریخی که تاکنون مستشرقین می‌اندیشیده‌اند، بسیار قدیم‌تر و در نتیجه به وقایع بسیار نزدیکتر است و دیدگاه‌های غربی در این خصوص از واقعیت بسیار دور است. (ibid, p.31) همچنین وی در باب جمع قرآن، معتقد است: از لحاظ مقدمات، نتایج و روش‌شناسی، مطالعات خاورشناسان پیشین اشکالاتی دارد و او این سوال را مطرح می‌نماید که آیا از لحاظ تاریخی نظرات غربیان از سنت اسلامی معتبرترند؟ (ibid, p.15)

(ر) منرس، مستشرق آلمانی نیز ضمن اشاره و تأکید به حفظ قرآن از جانب مسلمانان و کتابت آن در عصر نبوی، احترام و اهتمام مسلمین به قرآن را بدلیل مقام پرهیزگاری و خویش‌داری آنان دانسته است و همین امر را عامل اقدام به حفظ قرآن از سوی مسلمانان و ارائه نسخه‌ای مکتوب از قرآن، برای هر آنچه که از وحی نازل شده، در عهد رسول خدا ﷺ تلقی نموده است: «... و همه این موارد جایی برای این شک باقی نمی‌گذارد که قرآن فعلی شامل تمام کلماتی است که به نبی اکرم ﷺ وحی گردیده است.» (خلیفه، ۹۶)

(ز) جان برتون در کتاب «جمع قرآن» خود، با فاقد اعتبار تاریخی اعلام نمودن احادیث مربوط به جمع قرآن به دست ابوبکر و عثمان، متمایل به این نظر است که جمع قرآن در عهد رسول خدا ﷺ صورت پذیرفته است و قرآنی که امروز موجود است همان قرآن می‌باشد. (Burton, p.239-240)

(ژ) برگ، به نقل از یونبل<sup>۱</sup> مستشرق هلندی، جمع قرآن را به اواخر قرن اول هجری نسبت می‌دهد. (Berg, p.27-29)

## ۶- نتایج مقاله

با استناد به کلیه دلایل و مستندات که در این مقاله ارائه گردید، روشن می‌گردد:

1. Theodor Willem Juynboll

۱. رسول خدا ﷺ همچنان که به حفظ و کتابت وحی توجه ویژه‌ای مبذول می‌داشت، جمع و مراقبت از آیات نازل شده نیز از اهم مسئولیت‌های خطیر ایشان بود. گرچه جمع قرآن از نظر بسیاری از قرآن پژوهان مطلبی اختلافی است، لیکن آنان در موضوع جمع و کتابت تمامی قرآن (تدوین جامع قرآن)، اعم از جایگزاری آیات در سور و تکمیل سور در زمان پیامبر ﷺ با نظارت آن حضرت، طبق وحی و فرمان الهی، متفق‌القول می‌باشند. لذا آیه‌ای به صورت نوشته یا در سینه اصحاب، جانمانده بود که بعداً کسانی بخواهند پس از رحلت پیامبر ﷺ، آنها را به تناسب موضوعشان یا به هر دلیل دیگری، در سوره‌ای جای دهند. در نتیجه، نظرات بیان شده از سوی بل در این خصوص، باطل می‌باشد.

۲- همچنین، ادعای بل مبنی بر اختصاص نخستین جمع و تدوین قرآن به زمان عثمان، ادعایی باطل است زیرا همانطور که ثابت شد این جمع به عصر نبوی اختصاص دارد. هدف از جمع و تدوین قرآن در زمان عثمان، توحید مصاحف و از بین بردن اختلاف قرائت با یکسان سازی قرائت‌ها براساس قرائت متواتر یعنی قرائت نبی اکرم ﷺ بود.

۳. عدم تحقیق در منابع شیعه و اتکای یک سویه بر منابع اهل سنت و همسویی با دیدگاه‌های برخی از خاورشناسان، نشان از نوعی نگاه جانبدارانه از سوی بل در موضع جمع و تدوین قرآن و گزینشی استفاده کردن از نصوص تاریخی می‌باشد و حاکی از آن است که وی تحقیقات کافی در این خصوص مبذول نداشته است. لذا کشف، شناسایی و در موارد لازم، نقد مطالعات قرآنی مستشرقین، ضروری می‌باشد.

۴. بررسی نظرات خاورشناسان در خصوص تجزیه و تحلیل جمع و تدوین قرآن در عصر پیامبر ﷺ، بیانگر تفاوت روشهای تحقیق خاص خاورشناسان با اندیشمندان مسلمان و مطالعات و منابع اسلامی می‌باشد و همچنین این مهم را هویدا و به اثبات می‌رساند که اختلافات و تناقضاتی آشکار، در دیدگاه‌های آنان مشهود است. این تفاوتها، بیانگر عدم تطابق و همسویی نظرات آنان در این زمینه بوده؛ و این حقیقت را برمی‌تابد که از حیث روش و انگیزه باید میان فعالیت‌های آنان تفاوت قائل شد.

## کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (ع)، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۳. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، السنن، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دارالفکر، (بی تا).
۴. ابوزهره، محمد، معجزه بزرگ پژوهشی در علوم قرآنی، ترجمه: محمود ذبیحی، مشهد: آستان قدس، چاپ دوم، ۱۳۷۹ش.
۵. بل، ریچارد، درآمدی بر تاریخ قرآن، بازنگری: و مونتگمری. وات، ترجمه: بهاء الدین خرمشاهی، قم: مرکز ترجمه قرآن به زبانهای خارجی، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، قاهره: لجنة إحياء كتب السنة، ۱۴۱۰ق.
۷. بوکای، موریس، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، مترجم: مهندس ذبیح الله دبیر، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.
۸. خلیفه، محمد، المستشرقون و القرآن العظيم، القاهرة: دارالاعتصام، ۱۴۱۴.
۹. خوئی، سیدابوالقاسم، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ترجمه: هاشم زاده هریسی، تهران: وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۱۰. همو، البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سیدجعفر حسینی، قم: دارالتقلین، ۱۳۸۳.
۱۱. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۳.
۱۲. رضایی هفتاد، حسن، زیست شناخت برخی خاورشناسان و آثار آنان، قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۱۰، ۱۳۹۰.
۱۳. الزرقانی، محمد عبد العظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۱۴. زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالمعرفة، ۱۹۵۷م.
۱۵. السیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق سعید المندوب، لبنان: دار الفکر، ۱۴۱۶.
۱۶. همو، تناسق الدرر فی تناسب السور، دراسة و تحقیق: عبدالقادر احمد عطا، بیروت: دارالکتب البنائیه، ۱۴۰۶ق.
۱۷. صادقی، تقی، رویکرد خاورشناسان به قرآن، تهران، فرهنگ گستر، ۱۳۷۹ش.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، تهران: دارالکتب الاسلامیه (بی تا).
۱۹. العالمی، جعفر مرتضی، حقایق هامة حول القرآن الکریم، بیروت: دارالصفوة، چاپ دوم، ۱۹۹۲م.
۲۰. عسکری، مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، قم: دانشکده اصول الدین، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش.
۲۱. همو، نقش ائمه در احیاء دین، تهران: منیر، ۱۳۸۲.
۲۲. فقهی زاده، عبدالهادی، پژوهشی در نظم قرآن، تهران: انتشارات سخن، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۲۳. کمالی دزفولی، سید علی، شناخت قرآن، قم: اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۲۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۲۵. معارف، مجید، درآمدی بر تاریخ قرآن، تهران: مؤسسه نبأ، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۲۶. همو، شناخت قرآن، (دفتر اول) قرآن و خاورشناسان، تهران: مؤسسه نبأ، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۲۷. معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، تهران: سمت، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۳.
۲۸. همو، التمهید فی علوم القرآن، ترجمه: جواد ایروانی، قم: مؤسسه تمهید، ۱۳۹۲.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.
30. Bell, Richard, Bell's Introduction to The Qur'an, Revised by: Watt.W.Montgomery, Great Britain: Edinburgh University Press, 1970.
31. Berg, Herbert, The Development of Exegesis in Early Islam, Curzon, 2000.
32. Burton, John, "Collection of the Quran", Cambridge Cambridge University Press, 1977.
33. Motzki, Harald, "The Collection of the Quran: A Reconsideration of Western View in Light of Recent Methodological Development; Der Islam, 78, pp. 1-34, 2001.